

## عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان<sup>۱</sup>

منصور فتحی\*، حسین فکرآزاد\*\*، غلامرضا غفاری\*\*\*، جعفر بوالهیری\*\*\*\*

**مقدمه:** در این مقاله عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته و سپس بر آن مبنای راهکارها و پیشنهادات کاربردی در خصوص پیشگیری و کاهش بی‌وفایی زناشویی، استحکام نهاد خانواده و نیز کمک به مسئولان فرهنگی و اجتماعی جهت برنامه‌ریزی‌های مناسب ارائه گردیده است. روش: در مطالعه حاضر از روش نظریه‌ی زمینه‌دار<sup>۱</sup> که یک شیوه پژوهش کیفی است، بهره گرفته شده است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز معیار اشباع نظری، ۳۶ نفر از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی در این مطالعه شرکت نمودند. جهت گردآوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. **یافته‌ها:** بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه‌های انجام گرفته، سه مقوله عمده در حوزه‌های: خصوصیات و ویژگی‌های فردی، روابط زناشویی- خانوادگی و اجتماعی به عنوان عوامل زمینه‌ساز و مرتبط با بی‌وفایی زناشویی زنان به دست آمد. در حوزه فردی: ضعف اعتقادات و باورهای مذهبی، تنوع‌طلبی و هیچان‌خواهی، پایین بودن اعتماد به نفس و نیاز به جلب توجه در تمایل زنان به روابط خارج از ازدواج تأثیرگذار بوده است. در حوزه روابط زناشویی- خانوادگی: نارضایتی جنسی (کمی و کیفی) در رابطه با همسر، مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی، داشتن محیط متشنج در دوران کودکی و خانواده خاستگاه، مشکلات ازدواج (ازدواج تحمیلی و بدون علاقه و شناخت) است و از عوامل اجتماعی مرتبط و تأثیرگذار؛ دشواری طلاق و پیامدهای آن برای زنان، تأثیر دوستان و شبکه‌های اجتماعی، ماهواره و فیلم‌های مستهجن است.

**نتایج:** یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، با وجود این‌که اکثر افراد مورد مطالعه، برآورده نشدن توقعات ازدواج و عدم ارضای نیازهای عاطفی و جنسی در روابط زناشویی را به عنوان دلیل اصلی بی‌وفای خود بیان نمودند، اما نباید از تأثیر خصوصیات، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، عوامل کلان اجتماعی و تسهیل‌کننده در این زمینه غافل ماند. بنابراین بی‌وفایی زناشویی زنان معلول چند علیتی است و عوامل فردی، خانوادگی- زناشویی و اجتماعی در بروز آن تأثیرگذار است.

**کلیدواژه‌ها:** بی‌وفایی، بی‌وفایی زناشویی، روابط خارج از ازدواج، نظریه‌ی زمینه‌دار

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۵/۱۶

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری مددکاری اجتماعی نویسنده اول در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی است.

\* دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه خوارزمی. <fathi.mansour@gmail.com> (نویسنده مسئول)

\*\* دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

\*\*\* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران.

\*\*\*\* روان‌پزشک، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

## مقدمه

از آنجا که اساس بهداشت روانی جامعه در گرو سلامت نهاد خانواده به ویژه روابط سالم زناشویی و تداوم ازدواج است اما خیانت و بی وفایی از سوی هر یک از همسران که امروزه طبق شواهد، قرائن و آمارهای غیر رسمی به صورت نگران کننده‌ای به یکی از آسیب‌های اجتماعی پنهان جامعه تبدیل شده و علی‌رغم پیامدهای ناگوار فردی، خانوادگی و اجتماعی، به دلیل تابو بودن، حساسیت زیاد موضوع و واکنش‌های شدید جامعه به عاملان و اعمال مجازات‌های سنگین رسمی و غیر رسمی و عدم دسترسی آسان به افراد درگیر بی وفایی زناشویی، توجه جدی از سوی کارشناسان و پژوهشگران به این آسیب اجتماعی پنهان مبذول نگردیده و ماهیت پنهان آن در جامعه به عنوان یک عامل بازدارنده، مانع شناسایی به موقع آن و انجام مداخلات به هنگام حمایتی شده است.

مطالعات نشان می‌دهند که بی‌وفایی یکی از دلایل عمده طلاق، همسر آزاری و همسرکشی در فرهنگ‌های مختلف است (خدمتگذار و همکاران، ۱۳۸۷). افراد درگیر بی‌وفایی زناشویی با مسائل عاطفی منفی نظیر خشم، حسادت، احساس حقارت، ناامیدی و عدم اعتماد به نفس مواجه هستند (لاوسن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). افسردگی تجربه مشترک این گروه است. آن‌ها ممکن است به خاطر از دست دادن اعتماد به همسران‌شان و نقض عهد و پیمان در روابط خصوصی، آسیب‌های شدیدی ببینند. بی‌وفایی زناشویی، ثبات و امنیت خانواده را که برای رشد بهداشت روانی کودکان حائز اهمیت است، تهدید کرده (لاسترمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵) و افراد درگیر را با خطر بیماری‌های مقایبتی مواجه می‌کند (اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

در سال ۱۹۴۸ آلفرد کینزی، اولین داده‌های میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی را گردآوری نمود. در طول دهه ۱۹۵۰ مبانی نظری زیادی درباره بی‌وفایی زناشویی منتشر شد و مطالعات پراکنده‌ای در این زمینه تا دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ انجام گرفت. نگرانی درباره ایدز و رفتارهای جنسی پر خطر باعث شد تا توجه ویژه به این نوع تحقیقات صورت گیرد در نتیجه مطالب مربوط به ادبیات موضوع به طور چشمگیری افزایش یافت (جنیفریو، ۲۰۰۹).

1. Lawson

2. Lusterman

3. Smith

طبق برآوردها، بین ۲۱ تا ۷۰ درصد زنان و ۲۶ تا ۷۵ درصد مردان در ایالت متحده آمریکا در طول زندگی زناشویی، حداقل یک بار به روابط خارج از ازدواج روی می‌آورند (جنیفریو، ۲۰۰۹). براساس نظر سنجی گالوپ در سال ۲۰۰۸، از ۱۰۲۵ نفر بزرگسال در آمریکا نشان داد که، ۵۴ درصد از پاسخگویان بیان نمودند که یکی از آشنایان شان به همسرش خیانت کرده است (جیسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

اگرچه هیچ آماری در ارتباط با میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی در کشور منتشر نشده اما بعضی تحقیقات در درون خود اشاره‌هایی به این مسئله کرده‌اند. به عنوان مثال نتایج پژوهشی در خصوص پدیده همسرکشی در ۱۵ استان کشور نشان می‌دهد که ۶۷ درصد، مربوط به قتل زنان است که به دلیل خیانت و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند (کشاورز آقامحمدی، ۱۳۸۷).

بررسی‌های علمی جهت شناسایی عوامل و متغیرهای مرتبط با این مشکل و پیامدهای آن در جامعه ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در کشورهای مختلف در خصوص علل و عوامل به وجود آورنده بی‌وفایی زناشویی و روش‌های درمان و پیشگیری آن تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. این در حالی است که به دلیل حساسیت زیاد، عدم دسترسی آسان به افراد، واکنش شدید جامعه و قوانین نسبت به عاملان، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بسیار اندک و ناکافی می‌باشد و همچنین توجه جدی از سوی کارشناسان و پژوهشگران به بی‌وفایی زناشویی، به عنوان زنگ خطری برای امنیت و سلامت افراد، خانواده و جامعه مبذول نشده است. از سوی دیگر واکنش جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان و زنان متفاوت است، از جمله این‌که بی‌وفایی مردان به دلیل نگرش‌های سهل‌گیرانه و مجاز جامعه و امکان تعدد زوجات (ازدواج دائم و موقت) و فرهنگ مرد سالاری بیشتر قابل پذیرش است. درحالی‌که مبحث بی‌وفایی زنان کاملاً متفاوت است و میزان مجازات‌های رسمی و غیر رسمی برای چنین انحرافات‌ی در مورد زنان بیشتر از مردان است.

---

1. Jayson

در بیشتر موارد، کمترین واکنش هنگام سوء ظن به زن، طلاق است که وجود همین زنان مطلقه که معمولاً از هیچ منبعی حمایت نمی‌شوند، باعث می‌شود تبعات اجتماعی آن به صورت بی‌وفایی همسران در خانواده‌های دیگر خود را نشان دهد (احمدی، ۱۳۸۴). بی‌شک شناخت و بررسی عوامل مرتبط با این آسیب اجتماعی و برنامه‌ریزی جهت پیشگیری، کاهش و رفع عوامل زمینه‌ساز می‌تواند جامعه را در راستای ارتقای سطح سلامت، حفظ نظم و تعادل اجتماعی رهنمون سازد. از این رو مسئله پژوهش حاضر شناسایی عوامل زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی زناشویی زنان است.

## روش

ماهیت این پژوهش به نحوی است که با روش‌های کمی به اطلاعات دقیق و علل اصلی و ریشه‌ای آن نمی‌توان دست یافت بلکه تنها از طریق مصاحبه‌های رودررو<sup>۱</sup> و عمیق، بعد از جلب اطمینان افراد مورد مطالعه، میسر است. در این پژوهش از روش نظریه‌ی زمینه‌دار که یک شیوه پژوهش کیفی است و به وسیله آن، با استفاده از داده‌ها نظریه‌ای تکوین می‌یابد، بهره گرفته می‌شود. این روش شناسی از دل مکتب شیکاگو و پراگماتیسم جان دیویی بیرون آمده است: یعنی کشف کردن معناها در خلال فعالیت‌ها و زمینه‌ها (کوربین و استراوس، ۲۰۰۸).

گلیسر<sup>۲</sup> و استراوس<sup>۳</sup> در دهه ۱۹۶۰ این روش را ارائه کردند. در سال ۱۹۹۰ استراوس با همکاری کوربین<sup>۴</sup> شیوه سیستماتیک را ارائه دادند. این شیوه بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز<sup>۵</sup>، کدگذاری محوری<sup>۶</sup> و کدگذاری گزینشی<sup>۷</sup> تأکید دارد و همچنین به عرضه پارادیم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین می‌پردازد. به کار بردن این سه حالت کدگذاری حاکی از آن است که پژوهشگران از طریق معین به تکوین نظریه می‌پردازند (بازرگان، ۱۳۸۷). در این پژوهش از روش سیستماتیک استراوس و کوربین که دارای شیوه‌ای منظم برای تحلیل داده‌هاست، بهره گرفته شده است.

1. face to face  
5. open coding

2. Glaser  
6. axial coding

3. Strauss  
7. selective coding

4. Corbin

## جامعه و نمونه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه را زنان بی‌وفا در روابط زناشویی که به منظور انجام مشاوره، در سال ۱۳۹۰ به ۴ مرکز مشاوره و کلینیک مددکاری اجتماعی (در شمال، جنوب، مرکز و شرق تهران) مراجعه نموده بودند، تشکیل می‌دهد.

با توجه به مفروضات اساسی و زیر بنایی رویکرد کیفی در پژوهش، تعداد نمونه پیش از اجرای تحقیق تعیین نشده و فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که نوعی اشباع اطلاعاتی حاصل شود، بدین معنا که در جریان مصاحبه اطلاعاتی جدیدتر از داده‌ها استخراج نگردد. به طور کلی هدف از انتخاب یک مورد یا موردها در پژوهش کیفی، فهم عمیق‌تر پدیده‌های مورد بررسی و در اغلب موارد، کشف نظریه‌هاست، نه تعمیم از نمونه به جامعه. این نوع نمونه‌گیری را نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup> می‌نامند. در این پژوهش براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز معیار اشباع نظری<sup>۲</sup> ۳۶ نفر از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی در این مطالعه شرکت نمودند. لازم به ذکر است که اشباع نظری پس از مصاحبه با نمونه ۲۸ حاصل شد. اما جهت اطمینان بیشتر ۸ مصاحبه دیگر نیز صورت گرفت که تجزیه و تحلیل آنها باعث ایجاد کد مفهومی جدیدی نگردید.

## تعریف مفاهیم

### بی‌وفایی زناشویی<sup>۳</sup>

وبستر<sup>۳</sup> بی‌وفایی زناشویی<sup>۴</sup> را نتیجه فقدان اعتقاد، اعتماد، صداقت زن یا شوهر تعریف می‌کند. بی‌وفایی زناشویی به داشتن رابطه صمیمانه و یا جنسی با فردی غیر از همسر اطلاق می‌گردد (کلین، ۲۰۰۷، به نقل از سیفر و آتود، ۱۹۹۷).

بی‌وفایی و روابط خارج از ازدواج (خیانت)، ارتباط با فردی غیر از همسر است. هر نوع پنهان کاری از همسر در مورد روابط خارج از ازدواج نوعی بی‌وفایی تلقی می‌شود (خدمتگذار و همکاران، ۱۳۸۷).

1. purposeful sampling

2. marital infidelity

3. Webster

4. marital infidelity

در این مطالعه منظور از بی‌وفایی زناشویی، داشتن تجربه حداقل یک بار رابطه جنسی در دوران متأهلی با فردی غیر از همسر است.

### روش‌های گردآوری اطلاعات

جهت گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد. این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف و عمیق بودن برای پژوهش‌های کیفی مناسب است. مصاحبه با سؤالات کلی و ساده شروع شد و به سمت سؤالات جزئی‌تر پیش رفت. میانگین زمانی مصاحبه‌ها در حدود ۶۰ دقیقه بود. اغلب مصاحبه‌ها چون همزمان با انجام مشاوره (رایگان) بود، بیش از یک جلسه انجام شده است. به منظور جلب مشارکت و همکاری بیشتر افراد مورد مطالعه، پس از جلب اعتماد و اطمینان بخشی به آنها به منظور حفظ رازداری، محرمانه تلقی نمودن اطلاعات شخصی، مشاوره‌های لازم (توسط نویسنده اول) نیز به صورت رایگان انجام شد. بلافاصله بعد از هر مصاحبه، کار تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس مدل پیشنهادی استراوس و کوربین (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و با استفاده از عبارات کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط پژوهشگران کدگذاری انجام شد. در مرحله کدگذاری محوری، کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنا در یک طبقه قرار داده شدند. طبقات و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه شدند تا خواص و روابط مشترک بین آنها شناسایی شود. سپس طبقات مشابه به لحاظ مفهومی و خصوصیات در هم ادغام شدند و حول محور مشترکی قرار گرفته و طبقات وسیع‌تری را تشکیل دادند و در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، با تمرکز بیشتر بر روی طبقات (مقولات)، ارتباط بین طبقات و زیر طبقات بررسی شده و طبقه اصلی ایجاد شد. ضمناً جهت توصیف اطلاعات دموگرافیکی از آمارهای توصیفی بهره گرفته شد.

## قابلیت اعتماد<sup>۱</sup>

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد (معادل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی) از سه تکنیک متعارف و مرسوم (پاتن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ سیلورمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ کوال<sup>۴</sup> و برینکمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹) زیر استفاده گردید:

- کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش بعد از کدگذاری اولیه، متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده در اختیار همه مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و به جز دو مورد که نظرات آنها نیز اعمال گردید، بقیه افراد صحت متون پیاده شده و کدهای استخراج شده را تأیید نمودند.
- مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع گردید تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد.
- استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه نظریه‌ی زمینه‌دار، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.
- در این پژوهش کسب رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات و برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش در هر زمان از جمله ملاحظات اخلاقی بود که رعایت گردید.

## یافته‌ها

### اطلاعات دموگرافیکی

میانگین سنی زنان ۳۴ و همسران آنها ۳۹ سال بود. ۸۰ درصد از ازدواج‌ها غیر فامیلی بود. در ۳۰ درصد از ازدواج‌ها، آشنایی از طریق دوستی و ۷۰ درصد نیز به صورت سستی و خواستگاری بود. ۳۲ درصد از ازدواج‌ها بدون رضایت فرد صورت گرفته بود. ۲۷ درصد از افراد مورد مطالعه، سابقه ترک منزل و رفتن به خانه پدرشان را داشتند. حدود ۳۵ درصد، از دوران عقد و ۸۸ درصد نیز قبل از شروع روابط خارج از ازدواج، به فکر طلاق و جدایی بودند.

1. Trustworthiness

2. Patton

3. Silverman

4. Kval

5. Brinckman

۴۲ درصد از افراد مورد مطالعه فاقد فرزند بودند. ۱۷ درصد از زنان بعد از ازدواج، سابقه اقدام به خودکشی و ۲۲ درصد افکار خودکشی داشتند.

۶۲ درصد، دوستانی داشتند که درگیر روابط خارج از ازدواج بودند.

حدود ۲۵ درصد از زنان مورد مطالعه با شرکای جنسی در خانه خود رابطه جنسی داشتند. مدت زمان رابطه خارج از ازدواج از یک ماه تا ۶ سال در نوسان بود.

۶۰ درصد از زنان مورد مطالعه، قبل از ازدواج، دوست پسر (۱۰ درصد دوستان پسر متعدد) و ۲۰ درصد رابطه جنسی داشتند. ۱۵ درصد ایده بی‌وفایی را از بدو ازدواج داشتند.

۴۴ درصد با شریک جنسی خود سابقه آشنایی قبلی داشتند. شغل ۷۴ درصد از شرکای جنسی؛ آزاد، ۱۵ درصد کارمند و ۱۱ درصد نیز دانشجوی بود.

حدود نیمی از بی‌وفایی زناشویی زنان، در سنین ۲۶-۳۵ سال و ۳۶ درصد در سنین ۲۵-۱۶ سال صورت گرفته بود. ۳۹ درصد، در بین ۵-۱ سال بعد از ازدواج و ۲۵ درصد آن نیز در بین ۱۰-۶ سال بعد از ازدواج به وقوع پیوسته بود. به عبارتی حدود ۶۵ درصد بی‌وفایی زنان در ۱۰ سال اول ازدواج آن‌ها رخ داده بود.

۶۴ درصد از افراد مورد مطالعه، خانه دار بودند.

۳۳ درصد افراد مورد مطالعه در خیابان با شریک جنسی خود آشنا شده بودند. ۱۱ درصد، با دوست پسر دوران مجردی خود رابطه عاشقانه داشتند. ۸ درصد با برادر شوهر خود رابطه برقرار کرده بودند. در ۴۲ درصد، پیشنهاد رابطه از طرف شریک جنسی، ۳۹ درصد تمایل هر دو و ۱۹ درصد از طرف خود فرد بود.

**مقولات (طبقات):**

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در خصوص عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زنان، منجر به استخراج مقولات زیر گردید:



۱- مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی:

مقوله (طبقه)	مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها
مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی	<p>درگیری و مشاجره با همسر، فقدان محبت و صمیمیت از طرف شوهر، داشتن زندگی کسالت بار (محیط خشک، سرد و بی‌روح)، کم حرف بودن و صحبت نکردن شوهر (سکوت طولانی)، گوش نکردن به همسر، زدن اتهام خیانت به زن توسط شوهر، خشونت جسمی توسط شوهر، قهر طولانی شوهر، توهین و تحقیر توسط شوهر، برخورد بچه‌گانه با زن، بی‌محلّی از طرف شوهر، سوءظن شوهر، فقدان توجه، تعریف نکردن شوهر از همسر، دلمه‌می مزاج بودن شوهر، عدم ارضاء نیازهای عاطفی، بهاء ندادن شوهر به پوشش و نظافت شخصی، قابل اتکا نبودن شوهر (ظاهر و کردار بچه‌گانه)، داشتن احساس برتری به شوهر، بی‌احترامی شوهر به خانواده همسر، اختلاف شوهر با خانواده همسر، توجه بیش از اندازه شوهر به خانواده خود و غفلت از همسر، اختلاف با خانواده شوهر، تنفر از شوهر، بی‌غیرتی شوهر به دلیل اعتیاد، عدم تحقق انتظارات از ازدواج، ایراد گرفتن از زن، فاصله سنی و تفاوت بین خصوصیات اخلاقی و رفتاری با شوهر، احساساتی و هیجانی بودن زن در مقابل روتین و آرام بودن مرد، احساس تنهایی، قهرهای طولانی با همسر، پشیمانی از ازدواج در دوران عقد، عدم درک از سوی همسر، اختلاف سلیقه، ایجاد محدودیت (کنترل) توسط همسر، رسیدن به بن بست و نداشتن وجه اشتراک با همسر، تنفر شوهر از زن، تهدید به طلاق توسط شوهر، بی‌مسئولیتی شوهر، پایین بودن اعتماد به نفس شوهر، رفیق بازی شوهر، عدم اعتقاد به زن و بها ندادن به همسر، اعتیاد شوهر، مشکلات ناشی از شغل شیفتی شوهر (شب‌کاری)، بد اخلاقی و بد دهنی شوهر، مشکلات مالی</p>

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نارضایتی عاطفی در اغلب موارد مورد بررسی به نحوی گریبان‌گیر افراد بوده و در انگیزش اقدام به بی‌وفایی آنها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. مفاهیم متعددی از مصاحبه‌ها در این خصوص به دست آمد که در قالب جدول زیر ارائه می‌گردد.

در زیر به نمونه‌هایی از اظهارات افراد شرکت‌کننده در خصوص مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی اشاره می‌گردد:

#### ۱-۱- فقدان محبت و صمیمیت:

"شوهرم بهم محبت نمی‌کنه. بعد از ۵ سال زناگی مشترک، دیگه به آخر خط رسیدم. من جوانم آرزو دارم، خیلی محبت می‌خواهم اما شوهرم درکم نمی‌کنه. الان دنبال محبت می‌گردم نمی‌دانم کجا پیدا کنم. خیلی پشیمان شدم با این ازدواج کردم. فقط به فکر خودم و شکمشم. دیگه به آخر خط رسیدم."

#### ۱-۲- قهرهای طولانی و دعوای مستمر با شوهر:

اغلب زنان بی‌وفا به دلیل عدم تفاهم، دعوی و مشاجره‌های مستمر با همسر، اکثر اوقات با هم قهر بودند.

"اغلب اوقات در خونه قهر می‌کنم. بعضی وقت‌ها دو سه ماه طول می‌کشه. ۶ ماه پیش، یک ماه باهاش قهر بودم ازش جدا خوابیدم، یک بار نیامد از من عذرخواهی کنه. در طول این مدت باهاش حرف نمی‌زدم و فقط غذایش را آماده می‌کردم. این قهر خیلی رو من تأثیر گذاشت و باعث شد من به محیط بیرون گرایش پیدا کنم. زیرا دیدم واقعاً نه می‌تونم طلاق بگیرم و نه واقعاً ایشان از نظر روحی می‌تونم منو ارضا بکنه. گفتم این کار را بکنم تا حداقل کارهایی که ایشان می‌کنه، یادم بره. سالی ۴ ماه قهرم و خونه پدرم هستم. دائم در حال رفت و برگشت هستم."

#### ۱-۳- خشونت جسمی توسط شوهر:

حدود نیمی از زنان مورد مطالعه، توسط شوهران‌شان مورد خشونت جسمی (کتک زدن، کوبیدن سر به دیوار و غیره) قرار گرفته‌اند.

"شوهرم وقتی عصبی می‌شه، دست بزن دارد یک هفته بعد از عروسی، کتکم زد. وقتی ناراحت می‌شدم و گریه می‌کردم، منو می‌زد و می‌گفت گریه نکن. سرم را به دیوار می‌کوبید، سرم باد می‌کرد و از سرم خون می‌اومد. چهار بار پرده گوشم پاره شده، یک بار بینی‌ام شکسته، شکایت کردیم."

#### ۱-۴- آزار روحی و روانی توسط همسر:

اکثر زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج، از آزارهای روحی و روانی (توهین، تحقیر، بی‌محرمانگی، بی‌احترامی، بد دهنی، کنترل و ایجاد محدودیت و غیره) رنج می‌بردند.

"آدم بد دهن و بد اخلاقی است. بارها سر مسائل کوچک جر و بحث‌مان شده، شروع کرده به فحش دادن و منم طاقت نیاوردم جوابش را دادم و کتک کاری به حدی بوده که

من ناراحت شدم و به خونه پدرم رفتم. به زور ما را آشتی می‌دادند و کسی توجه نمی‌کرد که من این آقا را دیگه نمی‌خواهم و دیگه تحمل فحش‌هایش را ندارم. همسرم خیلی بد اخلاق است. اصلاً نمی‌شه باهاش حرف زد."

#### ۱-۵- فقدان توجه، تعریف و تمجید:

افراد مورد مطالعه انتظار داشتند که شوهران‌شان به احساسات و عواطف آن‌ها توجه و از ظاهر، پوشش و زیبایی آن‌ها تعریف و تمجید نمایند و در جمع توجه بیشتری به آن‌ها داشته باشند. انتظاری که در اکثر آن‌ها برآورده نشده و همواره با بی‌مهری و بی‌اعتنایی همسران‌شان مواجه بوده‌اند. این نیاز عمدتاً، توسط شرکای جنسی تأمین و یکی از دلایل گرایش آن‌ها به روابط خارج از ازدواج بوده است.

"من خیلی عاطفی و احساسی هستم. دوست داشتم شوهرم بهم توجه کند. کاری که انجام می‌دهم، ببیند. آگه یک موقع خودم را برای شوهرم آرایش می‌کنم یا لباس جدید می‌پوشم، ببیند. ولی موقع عقد متوجه شدم که شوهرم تو این خط‌ها نیست. حتی آگه ۷ قلم آرایش بکنی، نمی‌بیند و نمی‌گه که خوب شدی و آگه شلخته هم باشی باز هم نمی‌بیند و هیچ اعتراضی نمی‌کنه. اصلاً نظر نمی‌ده. همین چیزها باعث شد که از اول ازدواج نتونم بهش دل ببندم. از نظر زیبایی هر جا می‌رم، همه می‌گنند چه‌رهات قشنگه، اما شوهرم هیچ‌وقت ازم تعریف نمی‌کنه، فقط دیگران ازم تعریف می‌کنند. همیشه از زبان این و اون شنیدم. وقتی این آقا (شریک جنسی) ازم تعریف کرد، تحت تأثیر قرار گرفتم."

#### ۱-۶- تنفر از شوهر:

تعدادی از زنان مورد مطالعه از بدو ازدواج به دلیل ازدواج اجباری و تحمیلی و برخی نیز بعد از ازدواج به دلیل مسائل و مشکلات زناشویی، نسبت به همسر خود تنفر پیدا کرده‌اند.

"بزرگ‌ترین اشتباه من در زندگی، ازدواج با شوهرم است. بارها از ازدوایم پشیمان شدم. اصلاً دوست ندارم پیشش برم و کنارش همن طوری بخوابم. ماه‌هاست که ما جدایییم از این‌که ازدوایم با عشق نبود، از زندگی متنفرم. اصلاً دوستش ندارم، وقتی بهم دست می‌زند، می‌خواهم داد بزنم. زود می‌گیرم می‌خوابم که نیاید بگه بیبا با هم رابطه داشته باشیم. فقط بهانه می‌گیرم. به خاطر بچه‌ها مجبور بودم باهاش زندگی کنم."

۲- نارضایتی جنسی:

مقوله (طبقه)	مفاهیم مستخرج از مصاحبه ها
مشکلات جنسی در رابطه با همسر	<p>انزال زود رس شوهر، بلد نبودن شوهر، تعداد کم رابطه، اصرار شوهر بر رابطه زمانی که زن آمادگی ندارد، بی توجهی به خواسته‌های زن، بی توجهی به نظافت شخصی، آماده نکردن برای رابطه، امتناع شوهر از برقراری رابطه جنسی، ناتوانی جنسی شوهر، تحقیر زن به خاطر داشتن میل جنسی زیاد، یکنواخت بودن رابطه، عدم ابراز احساسات عاطفی و عاشقانه در رابطه، تأثیر اعتیاد شوهر بر رابطه جنسی، طولانی بودن رابطه شوهر به خاطر مصرف مواد، انزال دیر رس شوهر، امتناع از رابطه جنسی و دردناک بودن رابطه به دلیل تنفر از شوهر، عدم احساس راحتی در رابطه جنسی و صحبت در مورد آن، تن دادن به رابطه به عنوان وظیفه، برقراری رابطه از روی عادت، تن دادن به رابطه برای به دست آوردن امتیاز، عدم ارضاء در رابطه، دوست نداشتن (عدم تمایل به دلیل علاقه نداشتن) رابطه جنسی با همسر، خودارضایی به دلیل مشکلات جنسی همسر، عصبانیت به خاطر برآورده نشدن نیازهای جنسی، میل جنسی زیاد زن و ناتوانی مرد در برآوردن نیازهای جنسی همسر، تماشای فیلم‌های سکسی در حین رابطه جنسی با شوهر، لذت نبردن از رابطه، تصویرسازی با شریک جنسی (پارتنر) در رابطه با شوهر.</p>

مفاهیم متعددی از مصاحبه‌ها در این خصوص به دست آمد که در قالب جدول زیر ارائه می‌گردد.

در زیر به نمونه‌های شایع که زنان تأکید بیشتری بر آن‌ها داشتند، پرداخته می‌شود:

۱-۲- انزال زود رس شوهر:

یکی از مشکلات شایع در روابط جنسی زنان، انزال زودرس همسران‌شان بود و علی‌رغم این‌که چندین سال با این مشکل مواجه بودند اما شوهران‌شان حاضر به درمان نبودند.

"دو ماه یک بار با هم رابطه جنسی داریم و زمانش هم حدود ۲ دقیقه است. از اول ازدواج این طوری بود. مشکل زود انزالی دارد. منو آماده نمی‌کند و من ارضاء نمی‌شوم."

۲-۲- امتناع از رابطه جنسی و دردناک بودن رابطه به دلیل تنفر از شوهر:

از آنجا که رضایت عاطفی و جنسی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و لازمه رضایت جنسی، رضایت عاطفی و علاقه طرفین است. به همین خاطر زنانی که به دلیل ازدواج اجباری و یا

در طول زندگی مشترک از همسران‌شان متنفر شده بودند، نه تنها رابطه جنسی رضایت‌بخش نداشتند، بلکه در پاره‌ای از مواقع این رابطه دردناک و زجرآور هم بوده است.

"چون منو به زور به پسر خاله‌ام داده بودند. بعد از ازدواج تا ۲ سال، اجازه سکس کامل را نمی‌دادم و باکره بودم. هم می‌ترسیدم و هم داغون بودم، نمی‌خواستم. در رابطه جنسی من هیچ لذتی نمی‌برم. وقتی دخول انجام میشه، دچار انقباض عضلانی می‌شم و رابطه دردناک میشه."

#### ۲-۳- ناشی بودن شوهر و عدم ارضاء در رابطه جنسی:

فقدان آموزش در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش به زوجین و از طرفی بالا رفتن آگاهی زنان و تغییر نگرش آن‌ها در خصوص روابط جنسی رضایت‌بخش از طریق تعامل با دوستان (تبادل تجربیات)، مشاهده فیلم‌های سکسی و در برخی موارد تجارب قبل از ازدواج، باعث شده که زنان مثل گذشته به مفعول بودن در رابطه جنسی اکتفا نکنند و به دنبال رضایت از این رابطه باشند. عدم آگاهی برخی از همسران زنان مورد مطالعه در این زمینه و برقراری رابطه جنسی بدون ایجاد آمادگی، موجب عدم ارضاء و دلزدگی زنان از رابطه با شوهران‌شان گردیده است.

"قبل از رابطه، آماده نمی‌کند. به من می‌گفت بیا تو شروع کن. می‌گفتم پس من چی. خودش ارضاء می‌شد و منو رها می‌کرد. بهش التماس می‌کنم که منو لمس و نوازش بکند اما توجه نمی‌کند. هیچ وقت در طول زندگیم ارضاء نشدم."

#### ۲-۴- ناتوانی جنسی شوهر:

ناتوانی جنسی شوهر و عدم اقدام به درمان منجر به نارضایتی جنسی در بین اکثر زنان مورد مطالعه گردیده است.

"میل خودم برای رابطه جنسی، هفته‌ای ۲ بار است. ۳ ماهی است که رابطه نداریم. رابطه جنسی کمی با شوهرم دارم. بعضی وقت‌ها به ۶ ماه یک بار هم می‌رسد. حدود ۱۰ سال است که این جوریه."

#### ۲-۵- تمایلات شدید جنسی زن و عدم توانایی شوهر در برآوردن نیازهای جنسی:

تمایلات شدید جنسی برخی از زنان مورد مطالعه و ناتوانی شوهران در برآوردن نیازهای آن‌ها، منجر به نارضایتی شدید جنسی، عصبانیت و بهانه‌گیری زنان شده بود. شدت

فشارهای جنسی به حدی بوده که حتی تعدادی از آنها دست به خودارضایی می‌زدند و در پاره‌ای از موارد نیز همسران‌شان با تحقیر و منت به نیازهای جنسی آنها پاسخ می‌دادند.

"اوایل ازدواج، میل من روزی ۵ بار بود و الان هر شب است. اما شوهرم چون مشکل جنسی دارد، نمی‌تونه به تقاضای من پاسخ دهد. خیلی عصبی می‌شوم و بهانه‌گیری می‌کنم."

### ۳- ویژگی‌ها و خصوصیات فردی:

علاوه بر نارضایتی زناشویی، برخی ویژگی‌های فردی و خصوصیات شخصیتی نیز در تمایل فرد به روابط خارج از ازدواج تأثیرگذار بوده است. در پژوهش حاضر، مفاهیم زیر در خصوص ویژگی‌های فردی از مصاحبه‌های انجام گرفته با زنان به دست آمده است:

مقوله (طبقه)	مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها
ویژگی‌ها، نگرش‌ها و تجارب فردی	هیجان‌خواهی و تنوع‌طلبی، احساس محدودیت در ازدواج، کمبودهای عاطفی، تمایلات جنسی بالا و ویژگی‌های شخصیتی، پایین بودن اعتماد به نفس و نیاز به جلب توجه، بی‌ضرر دانستن رابطه خارج از ازدواج برای همسر و محق دانستن خود برای برقراری رابطه روابط قبل ازدواج (عادی شدن ارتباط با جنس مخالف، تسری رابطه قبل از ازدواج به بعد از ازدواج)

به نمونه‌هایی از اظهارات افراد شرکت کننده اشاره می‌گردد:

### ۳-۱- تنوع‌طلبی و احساس محدودیت در ازدواج:

برخی از زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج به دلیل داشتن ویژگی‌های تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی از بودن در کنار همسر و پایبندی به او و تحمل محدودیت‌های ازدواج احساس خوشایندی نداشتند و به دنبال ارضای هیجان‌خواهی و تنوع‌طلبی خود از طریق رابطه با افراد دیگر بودند.

"از دوران مجردی آدم تنوع‌طلبی هستم. همزمان با چند نفر دوست بودم. از شوهرم زده شدم. دوست دارم جوانی کنم. بعد از ازدواج به این نتیجه رسیدم، هر رابطه‌ای که به ازدواج ختم می‌شود، روزمرگی میشه ازدواج همه چیز را عادی می‌کند و من با این چیزها میانه خوبی ندارم."

### ۳-۲- تأثیر روابط قبل از ازدواج:

حدود نیمی از زنان مورد مطالعه، قبل از ازدواج با جنس مخالف رابطه دوستانه و عاطفی داشتند و حتی تعدادی از آن‌ها مبادرت به رابطه جنسی نیز نموده‌اند. این روابط در تعدادی از افراد به بعد از ازدواج نیز تسری پیدا کرده است. به طوری که از بدو ازدواج ایده رابطه با جنس مخالف را داشتند.

"از اول ازدواج فکرم درگیر دوست پسرهایم بود. با خیلی از پسرها دوست بودم. شاید ۳۰ نفر. با یک نفر که ۸ سال دوست بودم، رابطه جنسی داشتیم. از دوران مجردی آدم تنوع‌طلبی هستم. همزمان با چند نفر دوست بودم."

### ۴- مشکلات ازدواج:

مفهوم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقوله (طبقه)
فرار از محیط متشنج خانه، مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، ازدواج تحمیلی، سن پایین و ترس از عواقب انتخاب	مشکلات ازدواج

علت اصلی مشکلات زناشویی تعدادی از زنان مورد مطالعه را باید در ازدواج نادرست و بدون علاقه و شناخت آن‌ها جستجو کرد. در این پژوهش، مفاهیم زیر در خصوص مشکلات زمان ازدواج، از مصاحبه‌های انجام گرفته با زنان استخراج گردیده است: به نمونه‌هایی از اظهارات و مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها در زیر اشاره می‌گردد:

### ۴-۱- فرار از محیط متشنج خانه:

محیط متشنج خانه پدری و روابط خشک و سرد اعضای خانواده، سخت‌گیری و کنترل رفت و آمدها و غیره باعث شده تا تعدادی از زنان مورد مطالعه، به منظور رهایی از این مشکلات و به دست آوردن آزادی، تن به ازدواج‌های بدون علاقه و شناخت بدهند. "کانون سردی داشتیم. روابط بین والدینم خوب نبود. رفت و آمدهایم توسط پدر و برادرانم کنترل می‌شد. حق جواب دادن به تلفن نداشتم. مادرم خیلی روی اعصابم راه می‌رفت و کتکم می‌زد. آرزو می‌کردم زودتر ازدواج کنم و برم (فرار از خانه)."

#### ۲-۴- مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه:

مخالفت خانواده برای ازدواج با فرد دلخواه، یکی دیگر از مشکلات تعدادی از زنان درگیر در بی‌وفایی زناشویی است که در برخی از آن‌ها روابط و دوستی‌های قبل از ازدواج به بعد از ازدواج تسری پیدا کرده است.

"عاشق پسری بودم اما خانواده منو وادار به ازدواج کردند. کاش با دوست پسرم ازدواج می‌کردم."

#### ۳-۴- ازدواج تحمیلی:

اکثر افرادی که به اصرار خانواده، تن به ازدواج‌های تحمیلی، فامیلی و مصلحتی داده اند، از بدو ازدواج ایده روابط خارج از ازدواج داشتند.

"۱۸ سالم بود و نمی‌خواستم ازدواج کنم. به زور منو به پسر خاله‌ام دادم. من از این

ازدواج متنفر بودم. مادرم گفت چون مسئله ازدواج شما در فامیل پیچیده، اگر ازدواج

نکنی آبرو ریزی میشه. به مخالفت من توجه نکردند. اصلاً اجازه حرف زدن را به من

ندادند. کل فامیل عزم‌شان را جزم کرده بودند که این ازدواج صورت بگیرد. تا سر حد

مرگ مقاومت کردم، فایده‌ای نداشت. من فقط گریه می‌کردم. می‌گفتند تو نمی‌فهمی، ما

داریم تو را خوشبخت می‌کنیم."

#### ۵- مشکلات دوران کودکی زنان:

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقوله (طبقه)
خشونت توسط اعضای خانواده، آزار جنسی، طلاق والدین، اعتیاد والدین، مشاجره و درگیری بین والدین	مشکلات دوران کودکی

تأثیر سبک تربیتی والدین و نحوه تعامل با کودک بر میزان اعتماد به نفس و زندگی دوران بزرگسالی غیر قابل انکار است. افرادی که دوران متشنجی را در زمان کودکی سپری نموده‌اند، در بزرگسالی بیشتر آسیب‌پذیرند. تعدادی از زنان مورد مطالعه با مشکلات عدیده‌ای در دوران کودکی مواجه بودند. مفاهیم زیر در این خصوص، از مصاحبه‌های انجام گرفته به دست آمده است:

به یک نمونه در این زمینه اشاره می‌شود:



#### ۵-۱- مشاجره و درگیری بین والدین:

اساس و پایه‌های اعتماد و امنیت فرد، در دوران کودکی و در محیط خانه شکل می‌گیرد. اما محیط متشنج خانه و مشاجره و درگیری بین والدین و عدم ابراز محبت کافی به فرزندان، احساس ناامنی و تشویش را در آن‌ها به وجود می‌آورد که اثرات مخرب آن در دوران بزرگسالی و بعد از ازدواج فرد را آسیب‌پذیر می‌کند. تعدادی از زنان مورد مطالعه در دوران کودکی از مشاجره و درگیری مداوم بین والدین خود رنج می‌بردند.

"پدرم بعضی اوقات مادرم را کتک می‌زد. اصلاً دوران کودکی خوبی نداشتم. همه‌اش دعوی، قهر و مشاجره بین والدینم بود و ما به همراه مادرم که قهر می‌کرد به خانه پدر بزرگم می‌رفتیم. از دوران کودکی و مجردیم خاطره خوشی ندارم."

#### ۶- دشواری‌های طلاق:

زنان درگیر در بی‌وفایی، علی‌رغم داشتن مشکلات عدیده‌ای در روابط عاطفی و جنسی زناشویی به دلایل مختلفی از اقدام به جدایی قانونی اجتناب نموده‌اند.

مقوله (طبقه)	مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها
دشواری‌های طلاق	به خاطر بچه‌ها، دلسوزی برای شوهر، اعتماد به نفس پایین و ترس از عواقب طلاق، نگران والدین بودن، وابستگی مالی به شوهر و نداشتن خانواده حمایت‌گر، مشکلات خانه‌پداری و فقدان حق طلاق برای زن

به نمونه‌هایی از اظهارات و مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها در زیر اشاره می‌گردد:

#### ۶-۱- وابستگی مالی به شوهر و نداشتن خانواده حمایت‌گر:

پیامدهای ناگوار طلاق و نگرش‌های منفی جامعه به زنان مطلقه باعث شده که اکثر خانواده‌های زنان مورد مطالعه، علی‌رغم وجود مشکلات عدیده‌ای در زندگی مشترک فرزندان دختر خود، نه تنها از اقدام به طلاق آن‌ها حمایت نکرده بلکه آن‌ها را به ادامه زندگی ترغیب نموده‌اند.

"۲، ۳ ماه بعد از عقد متوجه شدم خیلی بد دهن و بد اخلاق است اما خانواده‌ام به خاطر تعصبات الکی و از این‌که دختر عقد کرده طلاق بگیرد، ارزشش کم می‌شود منو مجبور کردند ادامه بدهم."

#### ۶-۲- فقدان حق طلاق برای زن:

با توجه به این که طبق قانون فقط در شرایط خاصی تقاضای طلاق زنان در دادگاه بررسی و در صورت اثبات، حکم طلاق صادر می شود (مگر این که حق طلاق به عنوان شروط ضمن عقد از سوی مرد به زن اعطا شده باشد)، تعدادی از زنان مورد مطالعه با علم به دشواری های خاص در این زمینه و ترس از بدتر شدن رفتار شوهر بعد از دادخواست طلاق، از مبادرت به طلاق خودداری نموده اند.

"حق طلاق با مرد است. زن هیچ حقی در این زمینه ندارد. من آگه به دادگاه مراجعه کنم می کند ثابت کن شوهرت معتاده، روانیه، خرجی نمی ده. اما شوهر من هیچ کدوم از اینها را نداره، تازه آگه داشته باشه هم، به این راحتی مگه میشه ثابت کرد. دیدم آگه تقاضای طلاق کنم راه به جایی نمی برم و وضع از اینم بدتر میشه، منصرف شدم."

#### ۷- تأثیر دوستان:

بیش از نیمی از زنان بی وفا، دارای دوستانی بودند که روابط خارج از ازدواج داشتند. دوستان به طور مسقیم و یا غیر مستقیم بر نگرش افراد مورد مطالعه، جهت داشتن رابطه خارج از ازدواج و تداوم آن تأثیرگذار بودند.

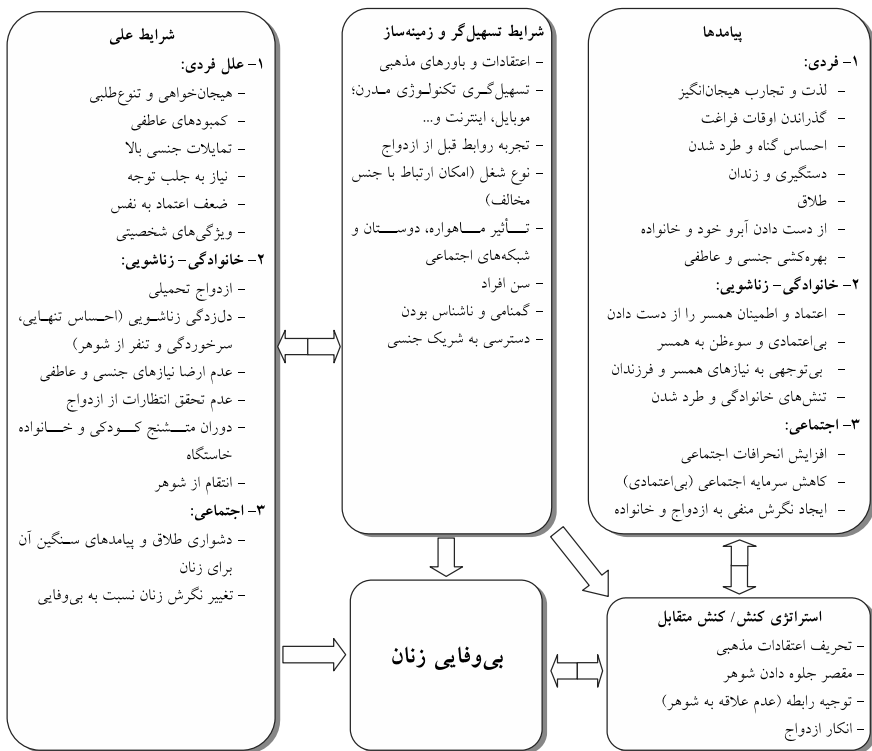
"حدود یک سال پیش مشکلات زندگی ما را با دوستانم در میان گذاشتم، گفتند: برو با یکی دوست شو که قدر تو را بدونه، چون این طوری داغون می شی. دوستانم خیلی روی من تأثیر گذاشتند. چون ذهنم را آماده کرده بودند، وقتی موقعیتش پیش اومد، گفتم چرا که نه."

#### ۸- تأثیر ماهواره:

اکثر زنان مورد مطالعه ماهواره داشتند و بیش از نیمی از آن ها به تأثیر فیلم های ماهواره در تغییر نگرش، شروع و تداوم رابطه خارج از زناشویی اذعان داشتند.

"به فیلم هایی که از ماهواره، مخصوصاً شبکه فارسی ۱ پخش میشه، خیلی علاقه دارم. آگه فیلم خیانتی باشه، خودم را به جای آن ها می گذارم و باهاشون ارتباط برقرار می کنم. اوایل رابطه ام با برادر شوهرم، این فیلم ها خیلی کمک می کرد تا بتونم با این قضیه کنار بیایم."

برآیند نهایی که از یافته‌های تحقیق به دست آمد بیانگر آن است که بی‌وفایی زناشویی زنان، پدیده‌ای است که در مجموعه‌ای از عوامل متعامل در هم تنیده قابل تبیین است و هرگونه تبیین تک‌علیتی از آن گویای درستی از ماهیت چند وجهی آن نخواهد بود. بر مبنای نتایج این تحقیق مدل تحلیلی استخراج شد. این مدل عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زنان در روابط زناشویی را نشان می‌دهد.



مدل پارادیمی شماره ۱: عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان

## بحث و نتیجه‌گیری

داده‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نارضایتی عاطفی برای زنان به عنوان مقوله اصلی و محوری، در گرایش به بی‌وفایی زناشویی محسوب می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های آلن و همکاران (۲۰۰۵) و گلاس (۲۰۰۳) که نشان داد، نارضایتی زناشویی (عاطفی) عامل مهمی برای روابط خارج از ازدواج زنان محسوب می‌شود (آلن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵؛ گلاس، ۲۰۰۳)، همخوانی دارد. اگرچه اغلب زنان مورد مطالعه، نارضایتی عاطفی زناشویی را به عنوان انگیزه اصلی بی‌وفایی خود بیان نمودند، اما تفکیک رضایت جنسی و عاطفی از هم دشوار است چرا که رضایت عاطفی در اغلب مواقع، زمینه‌ساز داشتن رابطه جنسی رضایت‌بخش است (به استثنای مواردی که به ناتوانی جنسی و سرد مزاجی مبتلا هستند). از طرفی وجود رابطه جنسی رضایت‌بخش خود تشفی خاطر و رضایت عاطفی را تا حدودی به همراه دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص تأثیر مشکلات جنسی و عاطفی زناشویی در سوق یافتن افراد مورد مطالعه به روابط خارج از ازدواج، با نظریه‌های برابری، سرمایه‌گذاری، مدل‌های ازدواج باز، تحقق نیازها، توسعه خود و کمبود همسو است. نظریه برابری که از رویکرد مبادله اجتماعی پدید آمده، فرض می‌کند که درگیری در روابط خارج از ازدواج، نتیجه تلاش فرد برای بازگرداندن عدالت و برابری در روابط زناشویی خود است. پرینس و دیگران (۱۹۹۳) دریافته‌اند که بی‌عدالتی، عامل مشوق یا افزایش تمایل فرد برای بی‌وفایی زناشویی است که این امر در خصوص زنان تقریباً دو برابر مردان صدق می‌کند (اسپرچر، ۱۹۹۸).

نظریه سرمایه‌گذاری، الحاقی<sup>۲</sup> از نظریه مبادله است که در آن مبادله بین فردی زوجین، محصول تعادل بین سود و هزینه است. این تئوری فرض می‌کند که منافع زیادی در یک رابطه وجود دارد. هر چه منافع بیشتر باشد، رضایت مندی فرد بیشتر و در رابطه باقی

1. Allen

2. extension

می‌ماند. بنابراین باعث افزایش سطح مشارکت و تعهد می‌شود. نظریه سرمایه‌گذاری همچنین بیان می‌کند که افرادی که جایگزین‌های (آلترناتیوهای) کمتر و ضعیف‌تری در روابط خود دارند، احتمال ترک آن رابطه کمتر است (راسبیل<sup>۱</sup> و بونک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳).

درايگوتاس<sup>۳</sup> و روس بیل<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) هفت نیازی را که روابط زناشویی، به افراد برای برآوردن آن‌ها کمک می‌کند، در مدل تحقق نیازها<sup>۵</sup> مشخص کردند: نیازهای جنسی، نیازهای صمیمیتی (خود افشایی)، نیازهای مصاحبت (فعالیت‌های مشترک)، نیاز درگیری فکری (سهیم کردن ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها)، نیاز درگیری عاطفی (حس ارتباط عاطفی)، نیازهای امنیتی، نیاز خودارزشی (روابطی که به فرد حس خوبی می‌دهد). امکان تحقق این نیازها، اساس جذابیت همسر فرد را تشکیل می‌دهد. اگر در بخشی از رابطه، امکان تحقق یک نیاز خاص مقدور نباشد، این امکان وجود دارد شریکی که نیازش تحقق نیافته، به احتمال زیاد خود را مجاز بداند که نیاز خود را با فرد دیگری در قالب روابط خارج از ازدواج تحقق ببخشد (جنیفریو، ۲۰۰۹).

مدل توسعه خود؛ بر این اساس استوار است که افراد به سمت هدفی که از طریق روابط صمیمی، خود را ارتقاء دهند و در جستجوی تجارب، منابع، دیدگاه‌ها، مهارت‌ها، توانایی‌ها و بینش‌های جدید باشند، برانگیخته می‌شوند (جنیفریو، ۲۰۰۹ به نقل از آرون<sup>۶</sup> و نورمن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸). آرون و آرون (۱۹۹۶) بیان کردند، اگر فردی شیوه‌های جدیدی جهت ارتقاء خود در رابطه جاری نیابد، ممکن است شروع به جستجوی فرد دیگری جهت برآوردن نیازهای توسعه خود نماید که ممکن است به روابط نامشروع منجر شود (جنیفریو، ۲۰۰۹). براساس این مدل افراد به دلیل مشکلات و نارضایتی‌های ازدواج، اقدام به روابط خارج از زناشویی می‌کنند. تامسون (۱۹۸۴) در حمایت و تأیید این مدل، روابط عاطفی، جنسی و ارتباطی را به عنوان سه عامل اصلی مشکلات رابطه مطرح کرد. همسرانی که از لحاظ عاطفی؛ احساس طرد شدن، دلسردی،

1. Rusbult

2. Buunk

3. Drigotas

4. Rusbult

5. Need Fulfillment

6. Aron

7. Norman

بی‌حمایتی و بی‌احترامی در رابطه می‌کنند، آن‌هایی که از نظر جنسی به خاطر عدم توانایی در دادن و یا گرفتن رضایت جنسی غمگین هستند و افرادی که در ارتباطات، از صداقت و صراحت محدود رنج می‌برند. تامسون براساس تحقیقات قبلی بیان کرد که رضایت زناشویی و جنسی (از نظر کمی و کیفی) پایین، احتمال روابط جنسی خارج از ازدواج را افزایش می‌دهد (جنیفریو، ۲۰۰۹ به نقل از تامسون، ۱۹۸۴).

براساس نظریه‌ها و مدل‌های مذکور، انگیزه برای بی‌وفایی زناشویی به علت نقص و مشکلات در ازدواج است و این رابطه به احتمال زیاد برای جبران بخشی از ازدواج است که به درستی کار نمی‌کند. به عبارتی چنان چه تحقق نیازها در روابط زناشویی مقدور نباشد، این امکان وجود دارد شریکی که نیازش تحقق نیافته، به احتمال زیاد خود را مجاز بداند که نیاز خود را با فرد دیگری در قالب روابط خارج از ازدواج تحقق ببخشد. اگرچه بی‌وفایی زناشویی یک معلول چند علیتی است و نظریه‌های متعددی از جنبه‌های مختلف به تبیین آن پرداخته‌اند، اما به تأثیر خصوصیات، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، عوامل کلان و نیز بی‌وفایی که به عنوان نتیجه فرصت اتفاق می‌افتد، توجه نکرده‌اند. همچنین در توضیح این‌که چرا افراد راضی و متعهد به روابط زناشویی، ممکن است دست به روابط خارج از ازدواج بزنند، عاجزند.

از ویژگی‌های فردی که در مطالعه حاضر به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در گرایش زنان به بی‌وفایی به دست آمد، می‌توان به میل به تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، تمایلات شدید جنسی، احساس محدودیت در ازدواج در مقایسه با دوران مجردی، نیاز به جلب توجه و اعتماد به نفس پایین اشاره نمود که این یافته‌ها با نظرات جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) که معتقد است تمایلات متعدد فردی در گرایش فرد به روابط خارج از ازدواج مؤثر است (کلین، ۲۰۰۷) و همچنین نتایج پژوهش شیردل (۱۳۸۳) که نشان داد، تنوع‌طلبی به عنوان یکی از دلایل گرایش زنان و مردان متأهل به روابط نامشروع است، همخوانی دارد (شیردل، ۱۳۸۳).

1. Johnson

بر مبنای داده‌های مطالعه حاضر، از عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار هم می‌توان به تجارب تلخ دوران کودکی از جمله سابقه خشونت توسط اعضای خانواده، محیط متشنج خانه و درگیری و مشاجره بین والدین، اعتیاد، طلاق و فوت والدین، سابقه رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج اشاره نمود. همچنین نمی‌توان از کنار سنگ بنای اشتباه در امر ازدواج از جمله ازدواج‌های تحمیلی، مصلحتی ازدواج در سنین پایین و فقدان بلوغ فکری و عاطفی به راحتی گذشت. چرا که ریشه این مشکل در برخی از افراد مورد مطالعه از بدو ازدواج بوده که با علاقمندی صورت نگرفته است. خانواده‌ها و بعضاً خودشان به دلیل ترس از دست دادن شانس ازدواج، تن به ازدواج‌های اجباری داده‌اند.

با وجود آن‌که رویکرد غالب در جامعه ما به دلیل اعتقادات، باورهای مذهبی و اخلاقی، بر عدم صحت روابط خارج از ازدواج تأکید دارد و آن را تقبیح می‌کند اما در دهه‌های اخیر با گسترش بیش از پیش ایده‌های جدید، فردگرایی، توجه به لذت فردی، تمایل به کسب لذت جنسی و آنچه گیدنز تمایلات جنسی منعطف و رابطه ناب می‌خواند (که لزوماً تک جنس و تک همسر نیست) در جامعه ما نیز همچون سایر جوامع، گسترش یافته است. البته نمی‌توان نقش وسایل ارتباط جمعی و به ویژه ماهواره را نادیده گرفت که با نمایش فیلم‌های متعددی با محتوای خیانت و بی‌وفایی و با هدف تغییر نگرش مخاطبان، عادی جلوه دادن بی‌وفایی و تضعیف بنیان‌های خانواده و غیره، تردیدهایی در باب عدم مشروعیت روابط خارج از ازدواج در جامعه ایجاد نموده است. چرا که اذعان تعدادی از افراد مورد مطالعه به تغییر نگرش بر اثر مشاهده فیلم‌هایی با محتوای خیانت و آماده کردن ذهن آن‌ها به داشتن رابطه خارج از ازدواج و تداوم رابطه، گواهی بر این مدعی است. به نظر می‌رسد اهمیت دادن به بدن و لذت جنسی به مرور جای خود را به پیش زمینه‌های ذهنی منفی از امر جنسی خصوصاً در میان زنان داده است. عاملیت و سوژگی زنان در روابط عاشقانه افزایش یافته و آن‌ها دیگر به قرار گرفتن در جایگاه معشوقی منفعل اکتفا نخواهند نمود.

باید توجه داشت که شرایط اجتماعی در جامعه ما به دلیل گسترش روز افزون ارزش‌های مدرن از طریق ارتباطات و رسانه‌های جمعی به طور مداوم در حال تغییر است و امکان تعامل بین دو جنس از طریق فضای مجازی (اینترنت) و تلفنی (تلفن همراه) افزایش یافته، اگرچه معرفی وسایل ارتباطی به عنوان عامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی خطای بزرگی محسوب می‌شود اما از طرفی نمی‌توان از نقش تسهیل‌گری و ایجاد فرصت آن برای بی‌وفایی غافل ماند. چرا که در کنار نقش زمینه‌ساز نارضایتی زناشویی و پایین بودن میزان تعهد زناشویی در بی‌وفایی، به وجود آمدن فرصت چه حضوری و یا مجازی عامل تعیین‌کننده‌ای دارد. به عبارتی هرچند اکثر افراد مورد مطالعه با مشکلات زناشویی در روابط عاطفی و جنسی مواجه بودند اما به تعدادی از مواردی هم بر می‌خوریم که علی‌رغم رضایت بالای زناشویی اقدام به بی‌وفایی کرده بودند که علت آن را می‌توان در پایین بودن تعهد زناشویی و فراهم بودن فرصت ارتباط با جنس مخالف و عوامل کلان اجتماعی و فرهنگی در این زمینه جستجو کرد.

همچنین نباید از نقش اغواگر و اغفال‌کننده برخی از شرکای جنسی مرد غافل ماند. چرا که بررسی حاضر نشان می‌دهد که همه زنان درگیر در بی‌وفایی با ایده قبلی پا به این عرصه نگذاشته‌اند. همچنین براساس یافته‌های این پژوهش، برخلاف آنچه تصور می‌شود علت بی‌وفایی زنان، صرفاً انتقام از همسر نیست. انتقام تنها بخش اندکی از انگیزه زنان از این اقدام را به خود اختصاص می‌دهد.

دوستان و شبکه‌های اجتماعی و تجارب روابط قبل از ازدواج نیز در گرایش به بی‌وفایی نقش به‌سزایی ایفاء نموده‌اند. در برخی از موارد، رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج به بعد از ازدواج تسری پیدا کرده است. بیش از نیمی از زنان دارای دوستانی بودند که روابط خارج از ازدواج داشتند. این یافته با نظرات بونک و بیکر (۱۹۹۵) که معتقدند افراد زمانی که دوستان یا خانواده آن‌ها درگیر بی‌وفایی زناشویی باشند، تمایل بیشتری به این کار دارند (بونک<sup>۱</sup> و بیکر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵)، همسو است. آشنا بودن با فردی که درگیر بی‌وفایی

1. Buunk

2. Bakker



زناشویی است، شخص را به سمت این روابط سوق می‌دهد. اگر فردی زمان زیادی را صرف گوش کردن به تجربیات دیگران در خصوص روابط خارج از ازدواج بکند، ممکن است از نگرش منفی آن‌ها به این روابط کاسته شود و این احساس در آن‌ها ایجاد شود که آن یک رفتار بهنجار اجتماعی است و به سمت داشتن روابط خارج از ازدواج سوق پیدا کند.

اکثر افراد مورد مطالعه دارای سابقه دوستی و رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج هستند و حتی در برخی از آن‌ها به رابطه جنسی نیز ختم شده است. این یافته نیز با نتایج پژوهش وایت و همکاران (۲۰۰۰) که در آن افرادی که قبل از ازدواج، اولین رابطه جنسی آن‌ها، با شرکاء رضایت‌بخش بوده، گرایش بیشتری به داشتن روابط خارج از ازدواج در مراحل بعدی زندگی داشتند، همسو است. فرض بر این است که شخص دارای روابط جنسی متعدد قبل از ازدواج، بیشتر دید مثبت نسبت به مسائل جنسی دارد و ممکن است احساس کند که داشتن شرکای متعدد جنسی نسبت به یک شریک رضایت بیشتری ایجاد می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، حدود نیمی از بی‌وفایی زناشویی زنان در سنین ۲۶-۳۵ سال اتفاق افتاده است. این نتایج با یافته‌های نتایج پژوهش‌های آماتو و راگرز (۱۹۹۷) که احتمال تجربه روابط خارج از ازدواج را در بین زوجین جوان‌تر (کم سن و سال‌تر) بیشتر نشان می‌دهد، همسو است. درحالی‌که یافته‌های آتکینز، بوکام و جکوبسون در سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد، زوجینی که در سنین بالا ازدواج کردند، تجربه بیشتری از خیانت داشتند. همچنین بنا بر یافته‌های تحقیق حاضر، بیشترین مورد بی‌وفایی زناشویی در ۱۰ سال اول ازدواج آن‌ها صورت گرفته است. این یافته همسو با نتایج پژوهش لیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) است که در آن روابط جنسی خارج از ازدواج زنان، در سال هشتم ازدواج به اوج خود می‌رسد (تیوسنارد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

طبق تحقیق به عمل آمده، بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه دارای فرزند هستند. این یافته نشان می‌دهد که وجود فرزند برخلاف نظر لیو (۲۰۰۰) که داشتن فرزند را نوعی سرمایه‌گذاری انسانی<sup>۳</sup> و پایبند کننده فرد به خانواده‌اش می‌داند، مانع بی‌وفایی زنان نگردیده است.

1. Liu

2. Touesnard

3. human capital investment

در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، بی‌وفایی زناشویی زنان معلول چند علیتی است و عوامل فردی، خانوادگی - زناشویی و اجتماعی در بروز آن تأثیرگذار است.

### محدودیت‌های پژوهش

- به دلیل پیامدهای ناگوار حقوقی و اجتماعی افشای بی‌وفایی زناشویی به ویژه برای زنان، تابو بودن رابطه جنسی در جامعه ما صحبت در این حوزه در بسیاری از موارد ناخوشایند و جستجو و کنکاش پیرامون آن، تجسس درحوزه خصوصی افراد محسوب می‌گردد. این امر دست‌یابی به افراد مورد نظر را با مشکل مواجه نمود به همین خاطر پژوهشگران مجبور به انتخاب نمونه‌ها از مراجعین به مراکز مشاوره گردیدند. هر چند که هدف از تحقیقات کیفی تعمیم نتایج نیست، اما بیان محدودیت‌های انتخاب نمونه، در درک نتایج کمک زیادی خواهد نمود. به هر حال مراجعین به مراکز مشاوره به دلایل متعددی از جمله؛ آشنایی با مراکز مشاوره، اعتقاد و اعتماد به این مراکز، توانایی مالی جهت پرداخت هزینه‌ها و از همه مهمتر یکی از دلایل اصلی مراجعه افراد، احساس گناه و رهایی از آن (ترک رابطه یا تأیید از سوی مشاور)، ممکن است متفاوت از سایر افراد جامعه باشد.

- با توجه به تکنیک گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر (مصاحبه و خود گزارش‌گری)<sup>۱</sup> به دلیل ماهیت غیر اخلاقی و ناپسند بودن بی‌وفایی زناشویی از نظر اجتماعی، برخی افراد ممکن است تمایل به مخفی نمودن و کتمان حقایق و یا برای توجیه رفتار خود و کاهش احساس گناه و مقصر جلوه دادن همسر، در بیان مشکلات روابط زناشویی اغراق نمایند. بنابراین در استناد به یافته‌های پژوهش باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

- همچنین ممکن است فاصله میان زمان وقوع بی‌وفایی زناشویی و پرسش در مورد آن به فراموشی برخی از مسائل منجر شود و همچنین برخی از موضوعات مورد بررسی ممکن است تحت تأثیر روابط خارج از ازدواج قرار گیرد.

1. Self-reporting

- کمبود منابع مطالعاتی فارسی و پژوهش‌های داخلی انجام گرفته در خصوص بی‌وفایی زناشویی، عدم همکاری برخی از مسئولان مراکز و مؤسسات به دلیل حساسیت زیاد موضوع و نگرانی مراجعه‌کنندگان از افشای هویت و اطلاعات شخصی از محدودیت‌های دیگر پژوهش می‌باشد.

### پیشنهادات

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در راستای ارتقای مهارت‌های همسررداری، شیوه‌های برقراری تعامل مفید و سازنده با همسر در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش و افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به نیازهای یکدیگر و چگونگی پاسخ دهی مناسب به آنها.
- افزایش آگاهی زوجین نسبت به عواقب و پیامدهای بی‌وفایی زناشویی بر اعضای خانواده و سلامت و امنیت جامعه از طریق رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی.
- الزام زوجین به مشاوره‌های قبل از ازدواج و دادن آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها در خصوص پیامدهای ازدواج‌های اجباری.
- آموزش افراد از سنین نوجوانی و آشنایی آن‌ها با نیازهای جنس مخالف و شیوه‌های برقراری تعاملات سالم و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای همسرگزینی مناسب و ازدواج سالم و نیز آگاهی دادن به افراد در خصوص پیامدهای روابط نامناسب با جنس مخالف قبل از ازدواج و اثرات مخرب آن بر روابط زناشویی بعد از ازدواج، از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی به‌ویژه صدا و سیما.
- اشاعه فرهنگ استفاده از خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی از طریق توسعه خطوط تلفنی کمک فکری<sup>۱</sup> و بحران<sup>۲</sup> و یا راه‌اندازی مراکز مشاوره رایگان در راستای ارتقای کیفیت زندگی و بهداشت روانی زوجین، کاهش تعارضات، اختلافات زناشویی و خشونت‌های خانگی و مشاوره با زوجین و آگاهی دادن به آنان از طریق وسایل ارتباط جمعی که در صورت بروز مشکل با این خطوط تماس بگیرند و یا به مراکز مشاوره مراجعه نمایند.

1. Help line

2. Hot line

- ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی به افراد درگیر در روابط خارج از ازدواج در جهت رفع مشکلات زناشویی، قطع رابطه با شریک جنسی، تقویت اعتماد به نفس آن‌ها و کاهش و رفع مشکلات روانی، عاطفی، رفتاری و غیره که در اثر تداوم روابط خارج از ازدواج شکل گرفته است.

#### پیشنهاد موضوع برای تحقیقات آینده

- مطالعه تطبیقی علل گرایش افراد متأهل به روابط خارج از ازدواج در بین مردان و زنان.
- بررسی عوامل کلان و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی (از منظر جامعه‌شناختی).
- بررسی خصوصیات روانی و شخصیتی افراد درگیر در روابط خارج از ازدواج و همسران آنها (از منظر روان‌شناختی).
- بررسی جایگاه حقوقی و قضایی پدیده بی‌وفایی زناشویی (با تأکید بر جنسیت).
- بررسی علل گرایش افراد دارای رضایت زناشویی بالا به روابط خارج از ازدواج.
- مطالعه تطبیقی علل گرایش افراد به روابط خارج از ازدواج در بین طبقات مختلف اجتماعی (پایین، متوسط و بالا).

- احمدی، ح. (۱۳۸۴)، جامعه شناسی انحرافات، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت.
- بازرگان، ع. (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران، چاپ اول، نشر دیدار.
- خدمتگذار، ح؛ بوالهروی، ج و کرملو س. (۱۳۸۷)، بی‌وفایی همسران، تهران، چاپ اول انتشارات قطره.
- شیردل، م. (۱۳۸۳)، بررسی عواملی که موجب گرایش زنان و مردان متأهل به روابط نامشروع جنسی می‌شود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- کشاورز آقامحمدی، پ. (۱۳۸۷)، خیانت ممنوع، تهران، چاپ اول، انتشارات البرز فردانش، ص ۱۵.
- Allen, E. S., Atkins, D. C. (2005). The multidimensional and developmental nature of infidelity: Practical applications. *Journal of Clinical Psychology*, 61, 1371-1382.
- Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1997). A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and The Family*, 59, 612-624.
- Buunk, B. E, & Bakker, A. B. (1995). Extra dyadic sex: The role of descriptive and injunctive norms. *The Journal of Sex Research*, 32, 313-318.
- Corbin, J. and A. Strauss, (2008), "Basics of Qualitative Research", Third Edition, London: Sage Publications.
- Glass, S. P. (2003). *Not "Just Friends": Protect your Relationship from Infidelity and Heal the Trauma of Betrayal*. New York: The Free Press.
- Jayson, S. (2008). Infidelity is common knowledge in USA, poll suggests. *USA Today*, 4D.
- Jeanfreau, Michelle, Marchese. (2009). A qualitative study investigating the decision- making process of women's participation in marital infidelity, An abstract of a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy, University Manhattan, Kansas.
- Kleine, Michelle, (2007). *The Impact Of Accounts And Attributions Following Marital Infidelity, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy, University of Missouri-Columbia.*